د) سقوط دلیلت روایت ابن راشد در در اتحاد آفاق با وجود امکانیت رؤیت در غروب سه‌شنبه

(20:56)

فعلاً روی مطلبی که در «اسالة» فرمودهاند و فعلاً طبق دو نرمافزار رؤیت هلال جلو میرویم. درست است که در «اسالة» از این روایت با شدت برای نفی اتحاد آفاق استفاده کردهاند، اما از طرف دیگر اگر این موازین دقیقی که در «اسالة» میگویند را جلو بیاوریم، بر آن لوازم دیگری مترتب میشود. آن چیست؟

ببینید هم نرمافزار عودة که سه لایه دارد، و هم نرمافزار ایالوپ که چهار لایه دارد، در این جهت مشترک هستند. غروب سه‌شنبه سال دویست و سی و دو در اول ماه مبارک، در همه مناطق عراق و بغداد و مدینه و حجاز و مکه، بهوضوح رؤیت نبوده، یعنی لای الف نبوده فقط در مرکز آفریقا بود که غروب سه‌شنبه میتوانستند بهوضوح ببینند؛ در مغز سهمی و قسمت الف بوده است. ولی هم نرمافزار عودة و هم نرمافزار ایالوپ در این جهت مشترک هستند که کل عراق، بغداد، مدینه و حجاز، در آن لایههای واقع میشدند که نه نیازی به تلسکوپ است و نه نیازی به این است که اول با تلسکوپ آن را پیدا کنند و بعد ببینند. هر دو در این متفق هستند که عراق و حجاز در لایههای واقع شدهاند که اگر شرائط فراهم باشد، با چشم مجرده دیده میشود. بنابراین اگر شما طبق موازین دقیقه میگویید، آقای شعرانی هم گفتند من به زیج مراجعه کرده ام، اینها که اینطوری است.

در آفریقا اگر هوا غباری هم بوده دیده میشده. قسمت الف سهمی بوده که به وضوح دیده میشود. حتی اگر هوا غباری هم باشد ماه را میبینند. اما لایه ب طوری است که اگر شرائط فراهم باشد میبینند؛ اگر هوا صاف باشد، غبار و بخار زیاد نباشد بالعین المجرده میبینند. نیازی هم به تلسکوپ نیست. بنابراین ما باید به این برسیم. قدم اول این است که ببینیم این نرمافزارها درست جواب میدهند یا نه. یعنی آن پنج روز تفاوت را باید چه کار کنیم. کدام یک از اینها درست است؟ آیا تفاوت این دو نرمافزار دخالتی در بحث ما دارد یا ندارد؟ این گام اول است. فعلاً عرض میکنیم بر فرض که فرمایش ایشان در «اسالة» درست باشد، یعنی نرمافزارهای رؤیت هلال با موازین دقیق نقشه رؤیت غروب سه‌شنبه را به ما بدهد...؛ جالب هم این است که نرم افزارمُنظور احمد، در یک روز و دو روزش تنها همین غروب سه‌شنبه را نشان میدهد. یعنی غروب چهارشنبه که راوی میگوید در بغداد خیلی هلال بلند بود، اصلاً این نقشه آن را نشان نمیدهد. چرا؟ بهخاطر اینکه نقشه منظور احمد فقط جایی را نشان میدهد که عمر هلال به چهل ساعت برسد. در حالی که غروب چهارشنبه در آن جا عمر هلال حدوداً چهل و چهار ساعت بوده است. یعنی نزدیک دو

شب‌انه‌روز بوده است. لذا راوی راست می‌گوید. می‌گوید غروب چهارشنبه که می‌خواستیم پنج شنبه را اول ماه بگیریم، خیلی طولانی بود.

ادعای خلاف واقع سعودی در رؤیت هلال شوال 1446

(25:12)

شبیه امسال است. در جلسه قبل هم عرض کردم که امسال برای بحث ما سال خیلی خوبی بود. هم ماه جمادی الاولی، هم ماه رجب برای بحث ما خوب بود. و هم ابتدای ماه مبارک و هم عید شوال همه خوب بودند. ماه مبارک به این دلیل خوب بود که اینها متفق بودند و خیلی نزدیک بود به روایت ابن راشد. ولی ابن راشد شرائطش بیشتر مه‌ای بوده است. توضیحاتش را عرض می‌کنم. یکی هم هلال عید فطر امسال بود. خیلی جالب است. این سال هزار و چهارصد و چهل و شش از رؤیت هلال خاطراتی دارد که ماندگار است. امسال خیلی از کشورها روز یکشنبه را عید گرفته‌اند. و حال آنکه نکته این است که دیگر کسی نمی‌توانند حرف بزنند. امسال روز یکشنبه‌ای که آقایان عید فطر گرفتند، در روز شنبه قبلش در ساعت یک بعد از ظهر به وقت ایران و دو بعد از ظهر به وقت حجاز کسوف شمس شده بود. این معنایش چیست؟ مقارنه است. معنایش این است: شما که در حجاز بودید ساعت یک بعد از ظهر هنوز ماه جلوی خورشید است، خب با فاصله پنج ساعت می‌خواهید هلال را ببینید؟! عمر هلال پنج ساعت می‌شود در وقت غروب؟! یادداشت هم کردم؛ در پنج-شش از صفحات اخبار عربی ؛ یکی روز قبلش با یکی از اهل فن مصاحبه کرده بود، گفته بود غروب شنبه «لایمکن رویة الهلال»؛ یعنی اصلاً هلال ندارید. گفته بود بعد از ظهر تازه کسوف شده چطور هلال داشته باشیم؟! ولی خب روی معیار خودشان، معیاری که می‌گویند چند سال است که عربستان اجراء می‌کند، معیاری که مخفیانه اجراء می‌کنند، ظاهراً کسوف موید‌ّش می‌شود. چون معیار جدیدی که در عربستان اعمال می‌کنند، این است که می‌گویند اگر مطمئن باشید که در وقت غروب مثلاً مکه هلال بالای افق است، کافی است. هلال، نه اینکه از تحت‌الشعاع خارج شده باشد. این موید‌ّ خوبی است. چون ساعت یک بعد از ظهر در مکه کسوف شده است، با این فاصله پنج ساعت بعد، خالصه هلال بالای افق هست.

شاگرد: هلال که نبوده.

استاد: منظورم از هلال، جرم قمر است. این معیار را اعمال می‌کنند.

شاگرد: شبیه قول یهود است.

استاد: تقریباً همان می‌شود. ولی آنها اعمال می‌کنند. حال چیزی که جالب است، این است که در خبرهای همان غروب شنبه آمده است؛ در همان سایتی که یک روز قبلش متخصصینشان گفته بودند «لایمکن رویة الهلال»، با اینکه خودشان کسوف را هم دیده‌اند، در ساعت یک بعد از ظهر کسوف محقق شده و خبرش در همه دنیا معلوم بوده، در همان سایت گفته بودند «قد شهدوا برویة الهلال»!

شاگرد: یک آقایی که مورد اعتماد است،گفته بود که عد زیادی در مورتانی شهادت داده‌اند که در غروب همان شنبه دیده شده است. چه جور می‌شود؟

استاد: غرب آفریقا می‌شود. در غرب آفریقا باز همین است؛ چون آنها متأخر هستند. ساعت یک مکه کسوف صورت گرفته است. اگر دو ساعت هم باشد ساعت یازده یا ده صبح مقارنه بوده که کسوف صورت گرفته است. تا غروبشان می‌آید. حدود هشت ساعت می‌شود. در فاصله شش ساعت و هشت ساعت هم رکورد داشته که دیده شده. لذا احتمالش هست. ولی باز هم دور است ولی برای عربستان

که ساعت یک بعد از ظهرشان کسوف صورت گرفته، گفته اند «شهود»! به نظرم مؤسسه خودشان هم بود. آن صفحه‌ای که این خبر را آورده بود....

شاگرد: اهل‌سنت عراق محاسبه را قبول ندارند. مبنایشان رؤیت است و یک شنبه را عید اعلام نکردند.

استاد:تقریباً معلوم است. غروب شنبه ای که بعد از ظهرش کسوف صورت گرفته، این شهادت به رؤیت، یک شهادتی است که خیلی در آن شک هست. یعنی شارع در این جور موارد گفته به رؤیت اکتفاء کنید یا نه؟ تقریباً شهادتی است که ظن به خلافش هست. می‌گوییم اماره ظن نوعی می‌آورد، اما اگر ظن به خلافش باشد، حجت هست یا نیست؟ این یکی از مواردش است. این اماره ای که دو عادل شهادت می‌دهند اما طبق این‌که بعد از ظهر ما کسوف صورت گرفته باشد، چطور می‌شود؟ الآن در ایران ساعت دو بعد از ظهر کسوف شده، غروب کسی بگوید من هلال را دیده‌ام، آیا این اماره ای کاشف است؟ یا اماره ای است که در موارد متعارف ظن نوعی می‌آورد؟ در ما نحن فیه ظن به خلافش هست که اشتباه کرده‌اند، آیا این حجیت دارد یا نه؟

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 15:47:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 15:55:54 توسط ... .